

به نام خدا

نقش مدرسه در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموز

مولفان :

مرضیه کلانترنژاد

مریم ریحانی

آذر اصفهانی

فاطمه دانشی

محسن قنبرزاده داغیان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب‌رسان موجود می‌باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : کلاترنژاد ، مرضیه ، ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآورندگان : نقش مدرسه در شکل دهی شخصیت دانش آموز / مولفان مرضیه کلاترنژاد ،
مریم ریحانی ، آذر اصفهانی ، فاطمه دانشی ، محسن قنبرزاده داغیان
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۱۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۹۱-۸
شناسه افزوده: ریحانی ، مریم ، ۱۳۵۳
شناسه افزوده: اصفهانی ، آذر ، ۱۳۵۱
شناسه افزوده: دانشی ، فاطمه ، ۱۳۶۸
شناسه افزوده: قنبرزاده داغیان ، محسن ، ۱۳۷۰
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : نقش مدرسه - شکل دهی شخصیت - دانش آموز
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : نقش مدرسه در شکل دهی شخصیت دانش آموز
مولفان : مرضیه کلاترنژاد - مریم ریحانی - آذر اصفهانی - فاطمه دانشی - محسن قنبرزاده داغیان
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایشی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۶۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۹۱-۸
تلفن مرکز یخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه:	۵
بخش اول: مبانی نظری و تحقیقی درباره نقش مدرسه در شکل‌دهی رفتار دانش‌آموزان	۷
فصل یکم: اهمیت مدرسه در توسعه شخصیت و رفتار دانش‌آموزان	۷
فصل دوم: نظریه‌های روان‌شناختی و تربیتی در رابطه با تأثیر مدرسه بر رفتار	۱۷
فصل سوم: عوامل مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای دانش‌آموزان در محیط مدرسه	۲۷
فصل چهارم: راهکارهای تربیتی و طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثر	۳۷
فصل پنجم: نقش مدرسه در تربیت اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان	۴۷
فصل ششم: نقش مدیر و معلم در تأثیرگذاری بر رفتار دانش‌آموزان و شیوه‌های مداخله	۵۷
بخش سوم: بررسی مطالعات موردی، یافته‌ها و راهکارهای عملی	۶۷
فصل هفتم: بررسی نمونه‌های موفق و شکست در تربیت رفتاری دانش‌آموزان	۶۷
فصل هشتم: تأثیر عوامل خانوادگی و اجتماعی بر رفتار دانش‌آموزان و تعامل با مدرسه	۷۷
فصل نهم: راهکارهای ارتقاء همبستگی و روحیه جمعی در محیط مدرسه	۸۷
فصل دهم: آینده‌پژوهی و پیشنهادات برای بهبود محیط مدرسه در شکل‌دهی رفتارهای مطلوب	۹۷
منابع	۱۰۹

مقدمه:

مدرسه به عنوان نهادی بنیادی و تاثیرگذار در رشد و توسعه فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، نقش اساسی در شکل‌گیری رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌های آنان ایفا می‌نماید. این نهاد، نه تنها محلی برای انتقال دانش و مهارت‌های علمی، بلکه فضایی است که در آن شخصیت‌سازی، ارزش‌گذاری و اجتماعی کردن افراد صورت می‌گیرد. اهمیت مدرسه در فرآیند تربیت و توسعه رفتارهای مثبت، به‌ویژه در سه دهه اخیر، بر آن شده است تا پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت رویکردهای متعددی را برای درک بهتر تأثیرات این فضا بر رفتار دانش‌آموزان ارائه دهند.

منابع علمی متعدد بر نقش مدرسه در شکل‌گیری رفتارهای خیرخواهانه، مسئولیت‌پذیری، همگami اجتماعی و انجام امور جمعی تأکید دارند، و بر این باورند که طراحی صحیح برنامه‌های آموزشی و تربیتی می‌تواند زمینه‌ساز پرورش شخصیت‌های موفق و سالم گردد. علاوه بر برنامه‌های درسی، روش‌های مدیریت مدرسه، فضای فیزیکی و ارتباطات میان اعضای مدرسه و خانواده، هر یک نقش مهمی در تقویت یا تضعیف رفتارهای مؤثر در دانش‌آموزان دارند. در حقیقت، مدرسه بیش از هر نهاد دیگری با چالش‌ها و فرصت‌های تربیتی روبه‌رو است و نقش تربیتی آن باید بر مبنای شناخت دقیق ساختار روانی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان باشد.

با توجه به اهمیت این موضوع، بررسی علمی و تخصصی چگونگی تاثیر عوامل مختلف در محیط مدرسه بر رفتار دانش‌آموزان، چنان که در پژوهش‌های گسترده و قابل اعتماد مورد تأیید قرار گرفته است، اهمیت یافته است. رهیافت‌های موجود بر اساس نظریه‌های روانشناختی، جامعه‌شناختی، و تربیتی، امکان تحلیل جامع و علمی روندهای رفتاری و ارائه راهکارهای مؤثر را فراهم می‌آورد. در نتیجه، شناخت عمیق و علمی نقش مدرسه در شکل‌گیری رفتار دانش‌آموزان، نه تنها از نظر نظری بلکه در حوزه عمل، قدمی مؤثر در جهت ارتقاء کیفیت تربیت و آموزش در کشور ما محسوب می‌شود.

بنابراین، بررسی دقیق و علمی این موضوع می‌تواند در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های تربیتی و آموزشی مؤثر، نقش موثری ایفا کند و به توسعه نظام تعلیم و تربیت پایدار و متعالی کمک نماید. توجه به این نکته ضروری است که هرگونه تلاش در این مسیر باید مبتنی بر پژوهش‌های معتبر، مطالعات تطبیقی و رویکردهای تخصصی باشد تا بتوان نتایج عملیاتی و قابل اتکایی در بهبود رفتارهای دانش‌آموزان ارائه داد.

بخش اول:

مبانی نظری و تحقیقی درباره نقش مدرسه در شکل‌دهی رفتار دانش‌آموزان

فصل یکم:

اهمیت مدرسه در توسعه شخصیت و رفتار دانش‌آموزان

مدارس به عنوان نهادهای آموزشی و اجتماعی نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. این نقش فراتر از انتقال دانش و مهارت‌های فنی است و در قالب مؤلفه‌های گسترده‌ای بر توسعه ابعاد مختلف شخصیت نظیر نگرش‌ها، ارزش‌ها، منش‌ها و هنجارهای رفتاری تأثیرگذار است. فرآیند شکل‌گیری شخصیت در مدرسه در اصل نتیجه تعامل چندگانه بین عوامل فردی، محیطی و آموزشی است که هر یک به نوعی توسعه و تثبیت الگوهای رفتاری و شخصیتی دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند.

عوامل زمینه‌ساز در این فرآیند شامل ساختار مدرسه و سیاست‌های تربیتی، نحوه اجرای برنامه‌های آموزشی، نوع روابط بین دانش‌آموزان و معلمان، و به‌خصوص فرهنگ سازمانی مدرسه است. ساختار مدرسه باید محیطی امن، منصفانه و پرنشاط فراهم آورد که در آن دانش‌آموزان بتوانند ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را به صورت عملی بیاموزند و تجارب مستقیم در جهت توسعه شخصیت کسب کنند. نقش معلمان در تربیت شخصیت دانش‌آموزان بسیار حیاتی است؛ زیرا آنها نمادهای رفتاری و الگوهای اخلاقی هستند و به واسطه تعامل مستقیم، می‌توانند در شکل‌گیری باورها و نگرش‌های مثبت یا منفی نقش ایفا کنند.

همچنین، سبک مدیریتی و نظام ارزشی حاکم بر مدرسه می‌تواند نقش تعیین‌کننده در نوع رفتارهای دانش‌آموزان ایفا کند. مدارس با سیاست‌های تربیتی جامع و مبتنی بر اصول ارزش‌مدارانه، امکان شکل‌گیری هنجارهای مثبت و کاهش انحرافات را فراهم می‌آورند. عوامل دیگری نظیر مشارکت خانواده‌ها، ارتباطات اجتماعی درون مدرسه و فعالیت‌های

فرهنگی و فوق برنامه، نقش مکمل در تثبیت و تقویت الگوهای رفتاری دارد؛ زیرا این عوامل کمک می کند تا دانش آموزان انسجام شخصیتی بیشتری پیدا کرده و در چارچوب فرهنگ جامعه رشد کنند.

در کنار این موارد، تاثیر فضای فیزیکی و امکانات مدرسه بر روان پژوهی و تعاملات دانش آموزان نیز بسیار مهم است. محیط های آموزشی جذاب و دل نشین، میزان انگیزش و تمایل به مشارکت در فعالیتهای مدرسه را افزایش می دهند و در نتیجه، رفتارهای آنان را در مسیر مثبت و سازنده سوق می دهند.

در مجموع، نقش مدرسه در شکل گیری شخصیت و رفتار دانش آموزان مبتنی بر تعامل منطقی و هماهنگ بین عوامل آموزشی، فرهنگی، مدیریتی و خانواده است. این عوامل در قالب الگویی منسجم، به منظور پرورش فردی مسئول، اخلاق مدار و خودآگاه، فعالیت می کنند و تاثیرات بلندمدتی بر ساختار روانی، اجتماعی و اخلاقی افراد دارند.

در فرآیند توسعه مهارت های اجتماعی و اخلاقی دانش آموزان، نوع آموزشی و نظام ارزشی که در مدارس پیگیری می شود، نقش کلیدی ایفا می نماید. بر اساس نظریه های تربیتی و روانشناسی تربیتی، آموزش های تاثیرگذار در این حوزه باید به گونه ای طراحی و اجرا شود که علاوه بر انتقال مفاهیم نظری، مهارت ها و ارزش های عملی و ملموس را در دانش آموزان تقویت کند. در ادامه، به اهمیت و انواع این آموزش ها و ارزش ها پرداخته می شود.

ابتدا، آموزش های مبتنی بر رویکردهای مهارت محور اهمیت فراوان دارند. به طور خاص، آموزش های فعال، مشارکتی و تعاملی که فرصت های گفت و گو، هم کاری گروهی و حل مسئله را فراهم می کنند، زمینه ای را فراهم می آورند که دانش آموزان در فرآیند مواجهه با مسائل و چالش های روزمره، مهارت های همکاری، همدلی، اعتبارسنجی نظرات و احترام به تفاوت ها را تجربه و بیاموزند. این نوع آموزش، نقش بسزایی در شکل دادن به مهارت های برقراری ارتباط موثر، مدیریت تعارض، و تقویت هوش هیجانی دارد.

از سوی دیگر، نظام ارزشی مدرسه باید بر اصولی نظیر احترام به فردیت، صداقت، انصاف، مسئولیت‌پذیری، هم‌دلی و عدالت استوار باشد. انتقال این ارزش‌ها باید در قالب فعالیت‌های اخلاق‌مدار، مباحث کلامی و فرهنگی مؤثر قرار گیرد. به عنوان مثال، برنامه‌های تربیتی که بر اخلاق حرفه‌ای، صداقت و احترام متقابل تأکید دارند، می‌توانند تاثیر عمیقی در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشند. بر این اساس، رویکردهای آموزشی باید فرآیند آموزش را در قالب پروژه‌های گروهی، کارهای داوطلبانه و فعالیت‌های فرهنگی، پیوند دهند تا دانش‌آموزان ارزش‌های اخلاقی را در عمل تمرین و تثبیت کنند.

نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین در این حوزه نیز نباید نادیده گرفته شود؛ به کارگیری فیلم‌ها، داستان‌های دیجیتال، بازی‌های تعاملی و برنامه‌های تلفن همراه می‌تواند در انتقال مفاهیم ارزش‌مدار به شیوه جذاب و مؤثر نقش‌آفرین باشد. این منابع کمک می‌کنند تا ارزش‌های اخلاقی در قالب روایت‌ها و داستان‌های زندگی واقعی یا خیالی، بهتر درک شوند و بر رفتارهای روزمره تأثیرگذار باشند.

در نظام آموزشی، رویکردهای تعلیم و تربیت باید بر تقویت empathy، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، انسان‌دوستی و عدالت اجتماعی تأکید داشته باشند. افزون بر موارد فوق، ارتقاء مهارت‌های خودتنظیمی، مدیریت هیجانات و کنترل انگیزه‌ها از دیگر عناصر حیاتی است که مدارس باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. آموزش‌های فعالیتی، بازی‌های نقش‌آفرینی و مباحث اخلاقی در قالب کلاس‌های درس یا برنامه‌های فوق‌برنامه، می‌توانند در مشارکت فعال و درگیر کردن دانش‌آموزان مؤثر واقع شوند.

در مجموع، رویکردهای آموزشی و نظام ارزشی باید به صورت هم‌پوش و مکمل عمل کنند و طیفی وسیع از فناوری‌های نوین، فعالیت‌های عملی و آموزش‌های اخلاق‌مدار را در بر بگیرند. این نوع آموزش‌ها با تمرکز بر تمرین عملی، مذاکره، احترام به تفاوت‌ها و درک متقابل، فرصت‌هایی را فراهم می‌آورند که دانش‌آموزان بتوانند در مسیر رشد مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی خود گام‌های مؤثری بردارند.

عوامل محیطی و رابطه معلمدانش‌آموز از اهمیت کلیدی در فرآیند شکل‌دهی رفتارهای مطلوب و سازنده در مدارس برخوردارند. این عوامل در ساختارهای تربیتی، محیط یادگیری و فرآیندهای ارتباطی نقش اساسی ایفا می‌کنند و تاثیر آن‌ها نه تنها در ترویج رفتارهای مثبت، بلکه در تقویت روحیه همکاری، اعتماد و حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه نمود پیدا می‌کند. در ادامه، به تحلیل عمیق این نقش آفرینان پرداخته می‌شود.

در رابطه با عوامل محیطی، باید گفت که محیط فیزیکی و روانی مدرسه به عنوان اولین تاثیرگذار، نقش بسزا دارد. محیطی سالم، امن، منظم و پرنرژی که امکانات مناسب، فضای باز و نور کافی را دارا باشد، امکان بروز رفتارهای مثبت مانند احترام، نظم، همدلی و مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌آورد. برعکس، محیط‌های ناسالم، پرتنش و استرس‌زا ممکن است منجر به بروز رفتارهای ناپسند مانند ادب‌ستیزی، انزواگری و بی‌نظمی شود. علاوه بر این، فضای فرهنگی و اجتماعی مدرسه باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌های اخلاق‌مدارانه و اجتماعی مانند همبستگی، عدالت و احترام به تنوع در آن ترویج یابد. نقش مدیریت مدرسه و سیاست‌های اجرایی در تنظیم و اصلاح ویژگی‌های محیطی، از دیگر عوامل موثر است.

در کنار محیط، رابطه معلم و دانش‌آموز به عنوان عنصر بنیادین در شکل‌گیری رفتارهای مطلوب مطرح است. این رابطه باید بر پایه اعتماد، احترام متقابل، عدالت و همدلی استوار باشد. معلمان با برخورداری از مهارت‌های ارتباطی موثر و توانایی ایجاد فضایی امن و حمایتی، می‌توانند نقش الگو و راهنما را ایفا کنند. واکنش‌های مثبت نسبت به رفتارهای خوب، تشویق مشارکت، تضمین فرآیند یادگیری در محیطی بدون تنش و سرزنش، زمینه را برای تقویت رفتارهای اخلاق‌مدار فراهم می‌کند. در عین حال، رعایت عدالت در برخورد با دانش‌آموزان و برخورد عادلانه و بدون تبعیض، اعتماد و حس تعلق آنان را افزایش می‌دهد و رفتارهای سازنده را درونی می‌سازد.

بحث دیگر در این حوزه، نقش تعاملات اجتماعی و فضای گروهی است. روابط مثبت و سازنده میان دانش‌آموزان و معلمان باعث شکل‌گیری فرهنگ مدرسه‌ای هم‌سویی و وحدت می‌شود. فعالیت‌های گروهی، مشارکت در پروژه‌های مشترک و ایجاد فرصت‌هایی برای

گفت‌وگو و همکاری، سبب تقویت مهارت‌های اجتماعی، همدلی و مسئولیت‌پذیری می‌گردند. چنین فرآیندهایی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا ارزش‌های اخلاقی را در بستر روابط واقعی و روزمره تمرین کرده، و با الگوهای رفتاری صحیح آشنا شوند.

در نهایت، مهم است که عوامل محیطی و رابطه معلم-دانش‌آموز به صورت متقابل و هماهنگ عمل کنند. محیط محیطی امن و حمایت‌گر، انگیزه‌های مثبت برای رفتارهای مطلوب را تقویت می‌کند و ارتباط معلم-دانش‌آموز نقش مؤثری در هدایت، تشویق و پالایش این رفتارها دارد. هر دو عامل در کنار هم، فراهم‌کننده بستری مناسب برای رشد اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان هستند و می‌توانند نقش محوری در توسعه شخصیت اجتماعی و انسجام فرهنگی در مدرسه ایفا کنند.

سیاست‌ها و برنامه‌های مدرسه باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که محیط تربیتی را در راستای توسعه شخصیت و رفتار دانش‌آموزان تقویت کنند و زمینه‌ساز پرورش ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فردی باشند. در ادامه، به تجزیه و تحلیل اصولی و علمی این سیاست‌ها و برنامه‌ها پرداخته می‌شود تا نقش سازمان‌یافته و نظام‌مند آنها در فرآیند تربیت موثر واقع گردد.

اولین سیاست کلیدی، توسعه برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی است. این برنامه‌ها باید انتظارات و ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، مسئولیت‌پذیری، همدلی و احترام به تفاوت‌ها را در قالب فعالیت‌های عملی و تجربی تبیین نمایند. استفاده از روش‌های غیررسمی مانند کارگاه‌های تعاملی، بحث‌های گروهی و پروژه‌های خدمت به جامعه، فرصت لازم برای تمرین و درونی‌سازی این مهارت‌ها را فراهم می‌کنند. چنین رویکردی سبب تقویت خودآگاهی و توانایی مدیریت احساسات و ارتباطات موثر می‌شود.

سیاست دیگر، تشویق فعالیت‌های فرهنگی و هنری است که می‌تواند محیط مدرسه را به فضایی اعتقادی و ارزش‌گرا تبدیل کند. فعالیت‌هایی نظیر موسیقی، تئاتر، نقاشی و ادبیات، نه تنها خلاقیت دانش‌آموزان را ارتقاء می‌دهند، بلکه ارزش‌های انسانی و اخلاقی را در

حوزه‌های هنری و فرهنگی گسترش می‌دهند. این برنامه‌ها در کنار ترویج اعتماد به نفس و تقویت روحیه همکاری، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت متعادل و ارزش‌مند دارند. در زمینه سیاست‌های مدیریتی، استقرار سیستم‌های ارزیابی و بازخورد مستمر، اهمیت ویژه دارد. این سیستم‌ها باید بر پایه ارزیابی کیفی و توجه به فرآیندهای تربیتی باشد و ضمن شناسایی نقاط ضعف، راهکارهای اصلاحی و توسعه‌ای ارائه دهند. ایجاد سامانه‌های شفاف و منصف برای تشویق رفتارهای مثبت و اصلاح رفتارهای ناسازگار، نقش بسیار موثری در اصلاح ساختارهای رفتاری دارد و اعتماد و حس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه را تقویت می‌کند.

سیاست‌های ترویج مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه نیز بسیار موثر است. فراهم کردن فرصت‌هایی برای بیان نظرات، رای‌گیری در پروژه‌های گروهی و مشارکت در برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی، حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و فضای تعاملی مثبت را در مدرسه شکل می‌دهد. به این وسیله، حس همکاری و هم‌افزایی شکل گرفته و رفتارهای مطلوب در قالب فرهنگ سازمانی مدرسه تثبیت می‌گردد.

در بعد آموزش خانواده و جامعه، برنامه‌ریزی برای دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تربیتی برای والدین و سرپرستان نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. آموزش اصول تربیتی و آگاهی‌بخشی نسبت به اهمیت نقش خانواده در توسعه شخصیت دانش‌آموز، موجب هماهنگی بیشتر بین خانه و مدرسه می‌شود و بی‌تردید تاثیر بسزایی بر اصلاح و تقویت رفتارهای دانش‌آموزان دارد. علاوه بر این، ارتباط مستمر و شفاف با نهادهای مدنی و خیریه‌ها در قالب برنامه‌های اجتماعی و خیریه، فرصت‌هایی عملی برای تمرین همدلی و مسئولیت‌پذیری فراهم می‌آورد.

در نهایت، تدوین و اجرای سیاست‌های انعطاف‌پذیر و جامع که هم‌زمان بر ابعاد فردی، اجتماعی و فرهنگی تمرکز دارند، می‌تواند نقش مدرسه را به عنوان نهاد تربیتی گسترده

و تاثیرگذار تثبیت کند و در مسیر توسعه شخصیت و تربیت صحیح رفتارهای دانش‌آموزان نقش کلیدی ایفا نماید.

برنامه‌های فرهنگی و فوق‌برنامه به عنوان ابزارهای قدرتمند در فرآیند تربیت و توسعه شخصیت دانش‌آموزان نقش حیاتی ایفا می‌کنند. بهره‌گیری مؤثر و هدفمند از این برنامه‌ها مستلزم طراحی جامع و نظام‌مند است که بتواند هم سو با ارزش‌های بنیادین مدرسه و نیازهای فردی دانش‌آموزان باشد. در ادامه، تحلیلی علمی و عملیاتی در این حوزه ارائه می‌شود.

اصولاً برنامه‌های فرهنگی و فوق‌برنامه می‌توانند به تقویت هویت فرهنگی، ارتقاء خلاقیت، توسعه مهارت‌های اجتماعی، و تقویت روحیه همکاری کمک کنند. در طراحی این برنامه‌ها، باید توجه داشت که هدف صرفاً سرگرمی نباشد، بلکه هر فعالیت باید در راستای ترویج ارزش‌های اخلاقی، انسانی و اجتماعی قرار گیرد و محیطی مناسب برای درک و تمرین این ارزش‌ها فراهم آورد. به عنوان نمونه، فعالیت‌هایی مانند تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی، ادبیات و مطالعات فرهنگی، فرصت‌هایی است برای ابراز هویت فردی و تقویت اعتماد به نفس، ضمن آن که ارتباطات اجتماعی را گسترش می‌دهند.

علاوه بر این، توسعه برنامه‌های فرهنگی مبتنی بر مشارکت فعال دانش‌آموزان است؛ یعنی آنها باید نه تنها مصرف‌کنندگان بلکه سازندگان محتوا و فعالان فرهنگی باشند. این رویکرد سبب می‌شود که روحیه مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و هم‌افزایی در قالب پروژه‌های گروهی و فعالیت‌های مشارکتی تقویت شود. برای مثال، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، مسابقات هنری و نشست‌های dialogues فرهنگی، فرصت‌هایی برای ابراز نظر و تبادل تجربیات است که می‌تواند بر شکل‌دهی نقش‌پذیری و هویت فردی تأثیر گذارد.

در کنار این، برنامه‌های فوق‌برنامه باید بر بهبود مهارت‌های لازم برای زندگی روزمره تمرکز داشته باشند. فعالیت‌هایی نظیر کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی، کارگاه‌های مدیریت تعارض، آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری، و آموزش ارتقاء همدلی، سبب تقویت شخصیت

اجتماعی و مهارت‌های فردی دانش‌آموز می‌شوند. اجرای این برنامه‌ها در قالب فعالیت‌های تعاملی، گروهی و پروژه‌های خیریه، حس مسئولیت‌پذیری و هم‌دلی را در آنان تقویت می‌نماید و محیط مدرسه را به فضایی ارزش‌مدار و فرهنگی تبدیل می‌کند.

در راستای بهره‌گیری اصولی، استقرار کمیته‌های فرهنگی مدرسه با مشارکت دانش‌آموزان، معلمان و والدین نیز در تنظیم و اجرای برنامه‌ها نقش دارد. این نوع ساختار، زمینه ایجاد حس مالکیت، انگیزه و تعهد در دانش‌آموزان نسبت به برنامه‌های فرهنگی فراهم می‌آورد و حضور فعال آنها در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرا، تأثیر مستقیم بر تربیت شخصیت و شکل‌گیری رفتارهای مطلوب دارد.

در نهایت، ارزیابی مستمر و بازخورد در اجرای این برنامه‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ارتباط موثر با خانواده و جامعه، از جمله شاخص‌های کلیدی برای تضمین اثربخشی این برنامه‌ها محسوب می‌شود. این رویکرد به مدرسه کمک می‌کند تا ضمن اصلاحات لازم، بهره‌وری برنامه‌های فرهنگی و فوق‌برنامه را در گستره تربیت فردی و اجتماعی ارتقاء دهد، و نقش مؤثر آن در شکل‌گیری شخصیت متعادل و اخلاق‌مدار دانش‌آموزان تثبیت گردد.

در فرآیند شکل‌گیری و توسعه شخصیت دانش‌آموزان، نقش خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اثرگذار و مکمل باید به گونه‌ای تعریف و مدیریت شوند که علاوه بر تقویت ارزش‌ها و هویت فردی، محیط‌های آموزشی و خانواده‌ای در راستای اهداف تربیتی و اخلاقی هم‌راستا باشند. در این راستا، اهمیت هماهنگی، همکاری فعال و ایجاد فضای همسویی میان این دو نهاد، به عنوان عواملی کلیدی شناخته می‌شود که می‌تواند تأثیر مثبت و پایداری بر رفتار و شخصیت دانش‌آموزان داشته باشد.

یکی از اصول اساسی در تعریف نقش خانواده و مدرسه، توجه به مسئله تعلیم و تربیت جامع و تداوم‌پذیر است. خانواده به عنوان محیط اولیه تربیت، نقش آموزش ارزش‌های اخلاقی، الگوپذیری و حمایت عاطفی را بر عهده دارد، در حالی که مدرسه با بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی، پرورشی و فرهنگی، مسئولیت تقویت مهارت‌های اجتماعی، عقلانی و

عملی را بر عهده می‌گیرد. بنابراین، این دو نهاد باید در چارچوب یک همکاری راهبردی و سازمان‌یافته عمل کنند، به گونه‌ای که برنامه‌های تربیتی خانواده و مدرسه در همدیگر تقویت‌کننده باشند و فرصت‌های هم‌افزایی را برای دانش‌آموز فراهم آورند.

برای تحقق این هدف، ارتباط مؤثر و مستمر بین خانواده و مدرسه باید بر پایه اطلاع‌رسانی، مشارکت فعال، تبادل نظر و همفکری باشد. این ارتباط می‌تواند از طریق برگزاری جلسات والدین و معلمان، کارگاه‌های آموزشی، صندوق‌های انتقادات و پیشنهادات، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی تقویت شود. این تعامل مستقیم، شناخت عمیق‌تر نیازها و مشکلات دانش‌آموزان را میسر می‌سازد و امکان تنظیم برنامه‌های تربیتی متناسب با روحیه و وضعیت فردی آنان را فراهم می‌آورد.

در ضمن، مشارکت خانواده در فعالیت‌های فوق‌برنامه و فرهنگی مدرسه، نه تنها انگیزه و احساس مالکیت دانش‌آموز نسبت به برنامه‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه ساختارهای حمایتی و نظارتی را در قالب نقش‌های مشخص خانواده و مدرسه، تقویت می‌کند. به عنوان نمونه، خانواده می‌تواند نقش رصد و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموز را بر عهده داشته باشد، در حالی که مدرسه با ارائه مشاوره‌های تربیتی و آموزشی، راهنمایی‌های لازم را در اختیار خانواده قرار می‌دهد.

علاوه بر این، هم‌سویی در ارزش‌گذاری‌ها و اهداف تربیتی بسیار مؤثر است. مدرسه باید ارزش‌های اخلاقی و انسانی مورد تأکید خانواده را در قالب فعالیت‌های دانش‌آموزی تجمیع کند و خانواده نیز باید در نگرش خود نسبت به مسایلی مانند همزیستی، احترام به دیگران، مسئولیت‌پذیری و خلاقیت، هم‌سویی کامل نشان دهند. این هم‌افزایی در محیط‌های تربیتی، از طریق آموزش، گفتگوهای مشترک و تعیین اولویت‌های مشترک، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری ساختارهای شخصیتی و رفتاری دانش‌آموزان ایفا می‌کند.

در نتیجه، نقش خانواده و مدرسه باید به‌عنوان دو ستون اصلی و مکمل در یک نظام تربیتی منسجم، تعریف و تنظیم شود. ارتباط مستمر، مشارکت فعال، هم‌سویی در ارزش‌ها و